

"Just Twilight"



Translator:
Kaster

Editor:
Eden & Amaya

Uploader:
Delvin

تم ارسال وترجمه آنلاین
Csé
تقديم ميلند

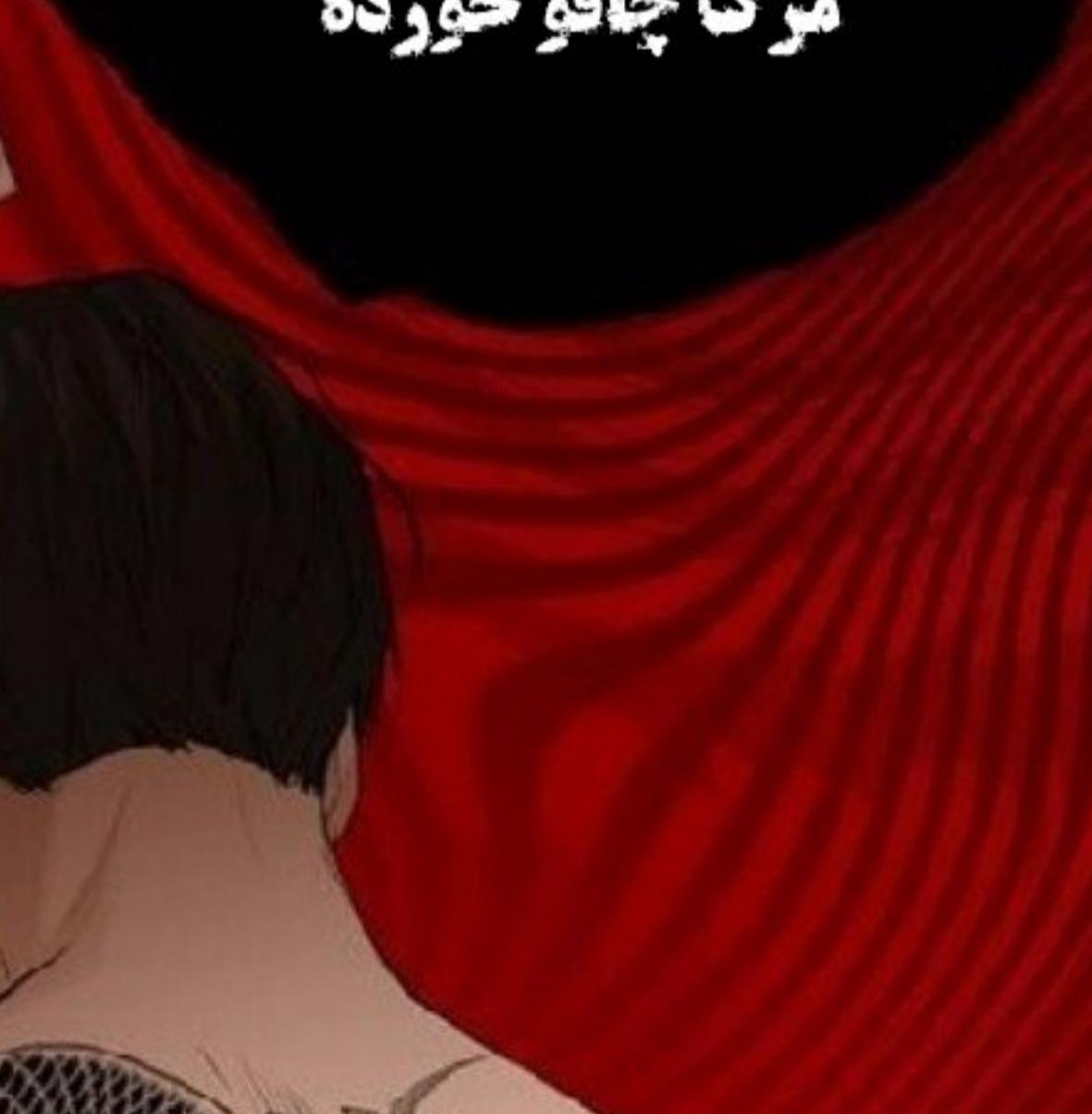


من کوان بئوم جین رو
خیلی وقته میشناسم

اون وقتی بچه بود خونوادش
رو از دست داد و به یه خونواده
دیگه منتقل شد و بعدشم به
اینجا نقل مکان کرد.



اون بخاره اينکه تو
مدرسه قبلیش يكی از معلماش
دو گنج زده بود به اينجا
نقل مكان کرد.



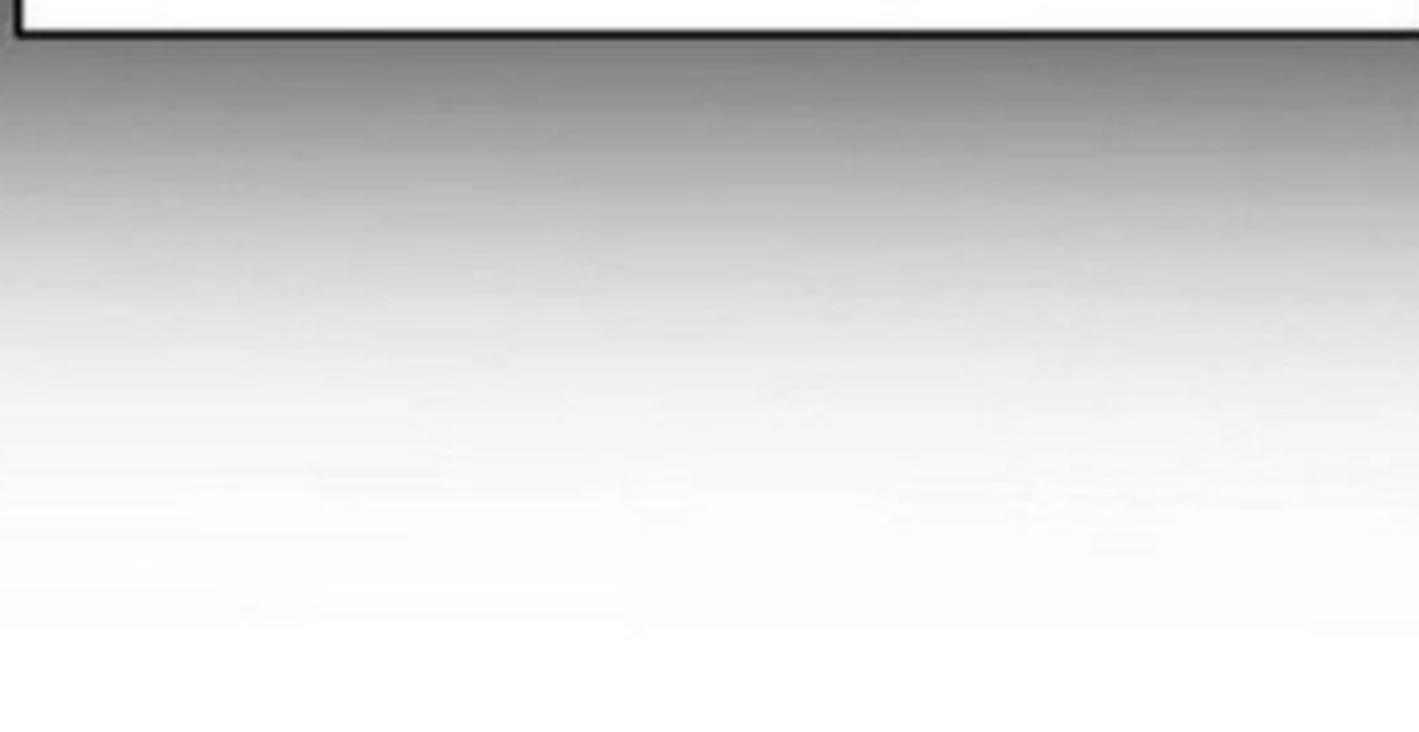
اون هال يه خونواده
گنگستره، و و باپاش تا حد
هرگ چاقو خورده



وقتی شب

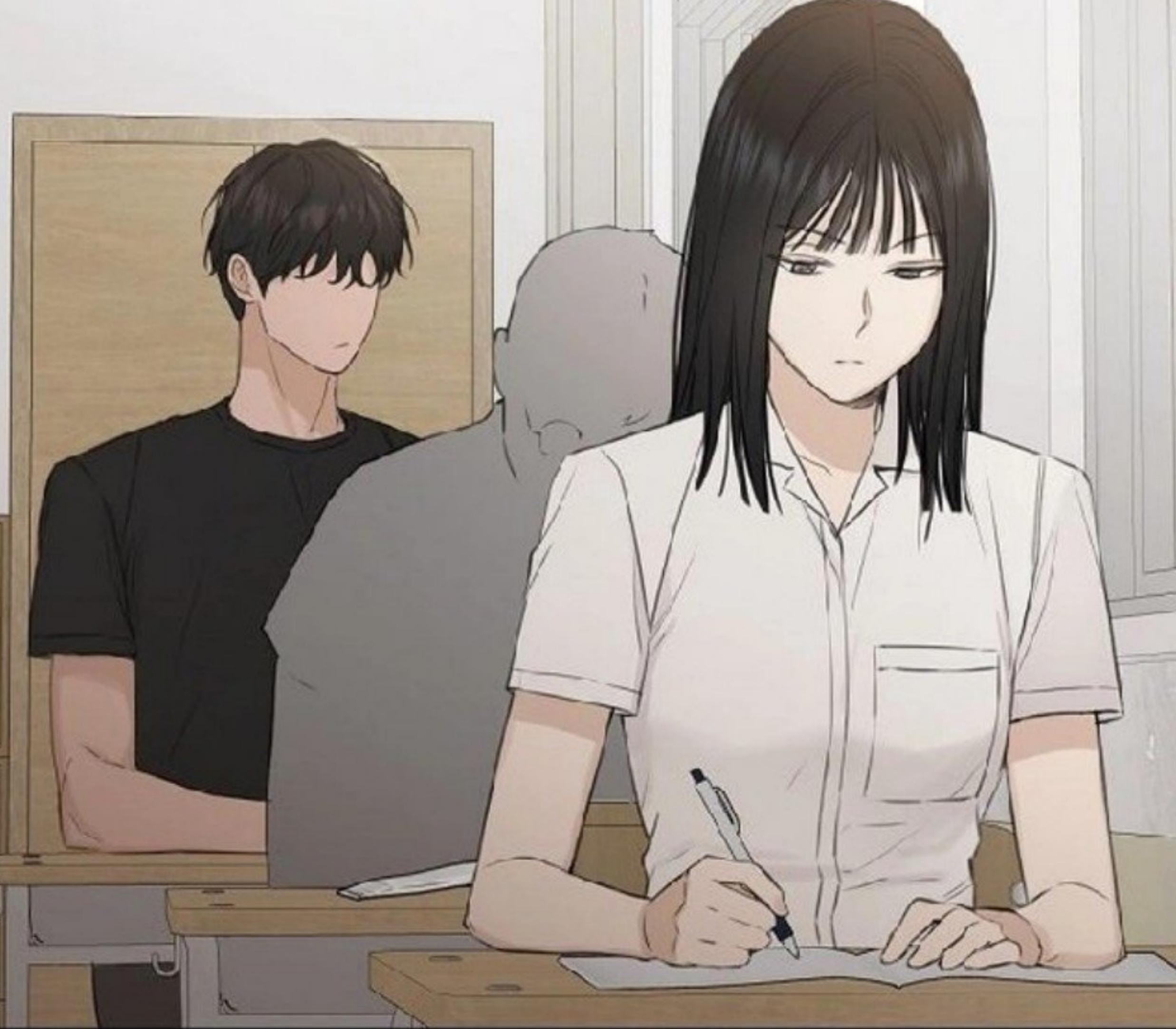
میشه از پشت میزنه

تو سر همسن ها



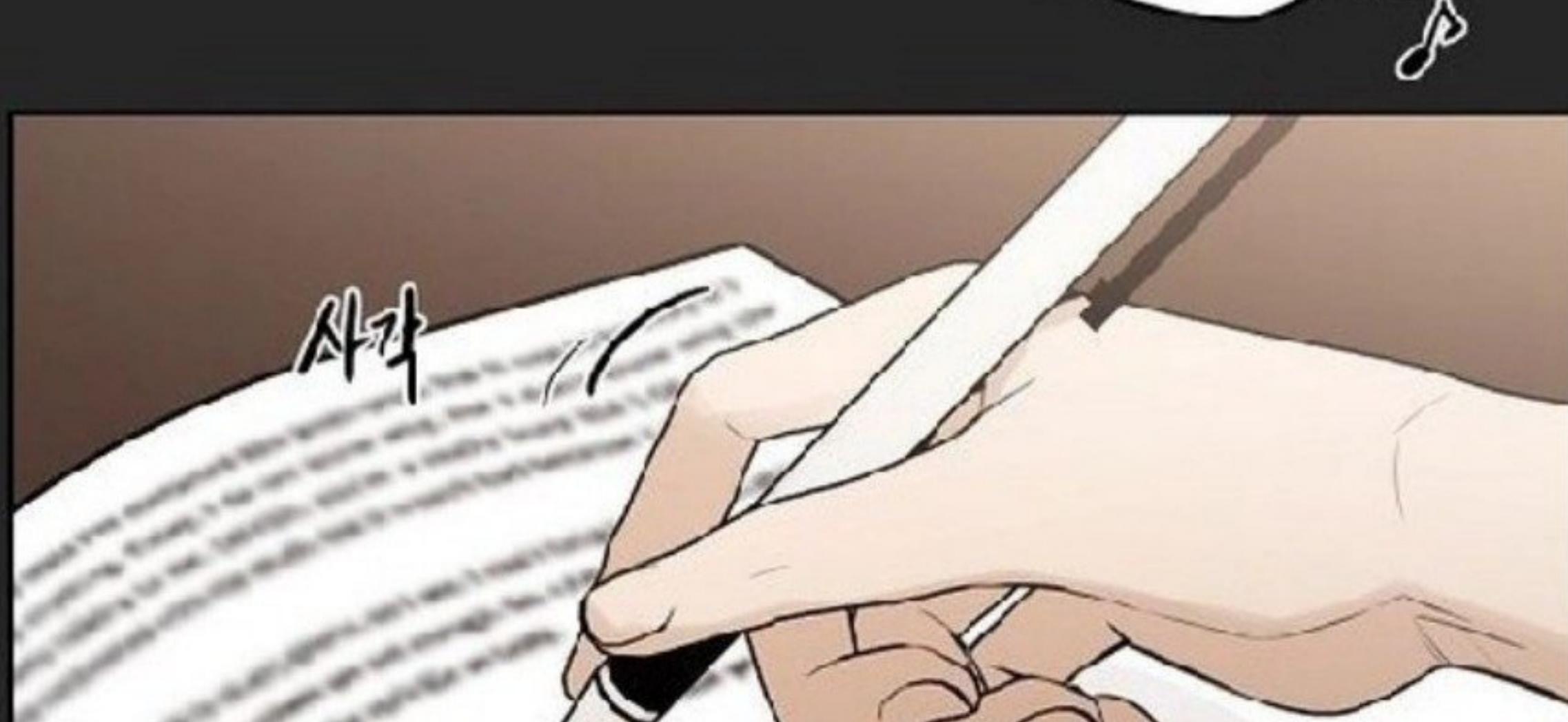
اینا همش شایعات بد
پشت سرش بودن...

تازشم ما دوتا توی سال
دوم همکلاسی بودیم،



من هیچوقت با
کوان بئوم جین نه
حرف زدم نه چیزی.

فڪر ميڪردم تا فارغ التحصيليم
همينطور پيش بره.





همونطور که
فکر میکرم (اینجا واسه
درس خوندن عالیه،

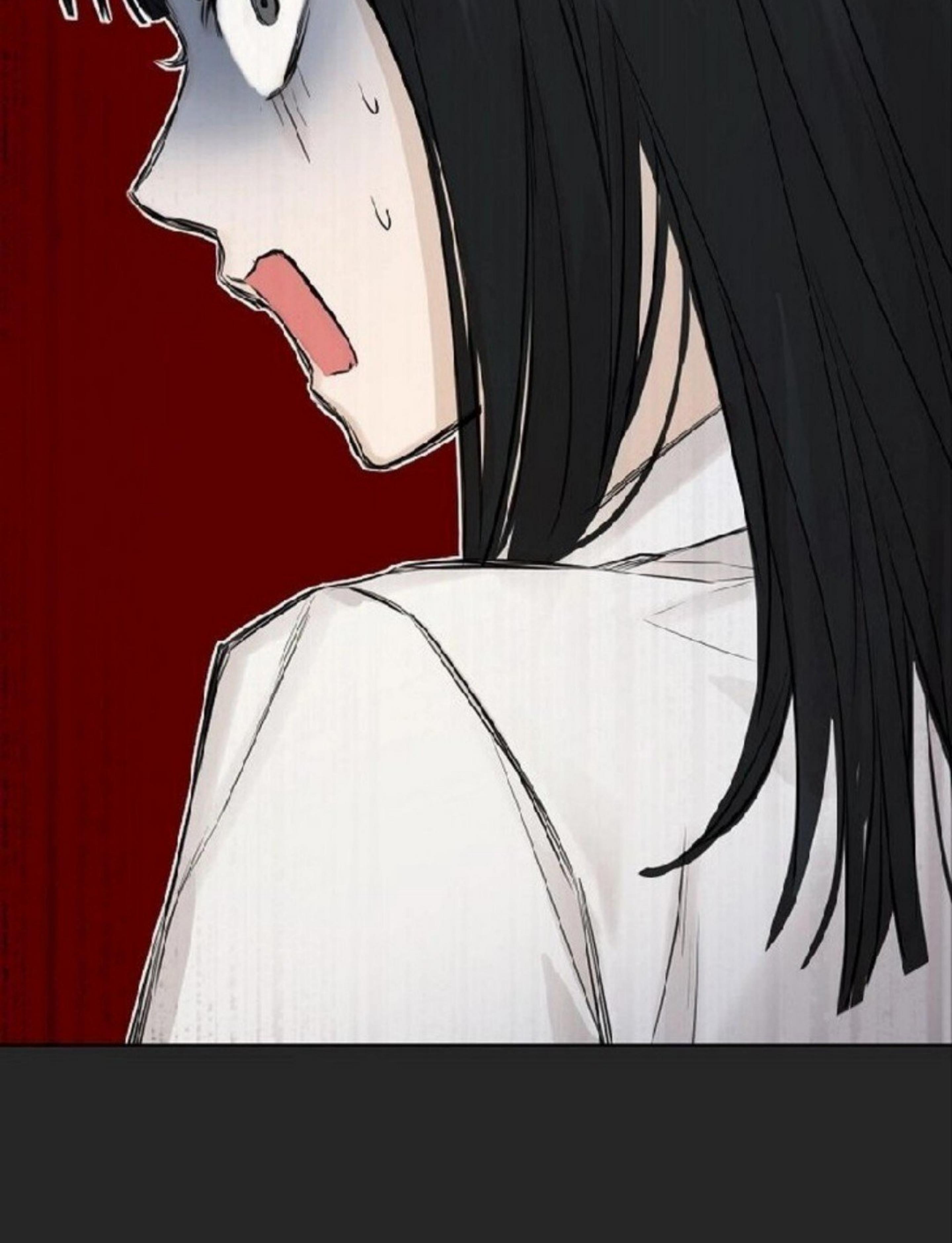
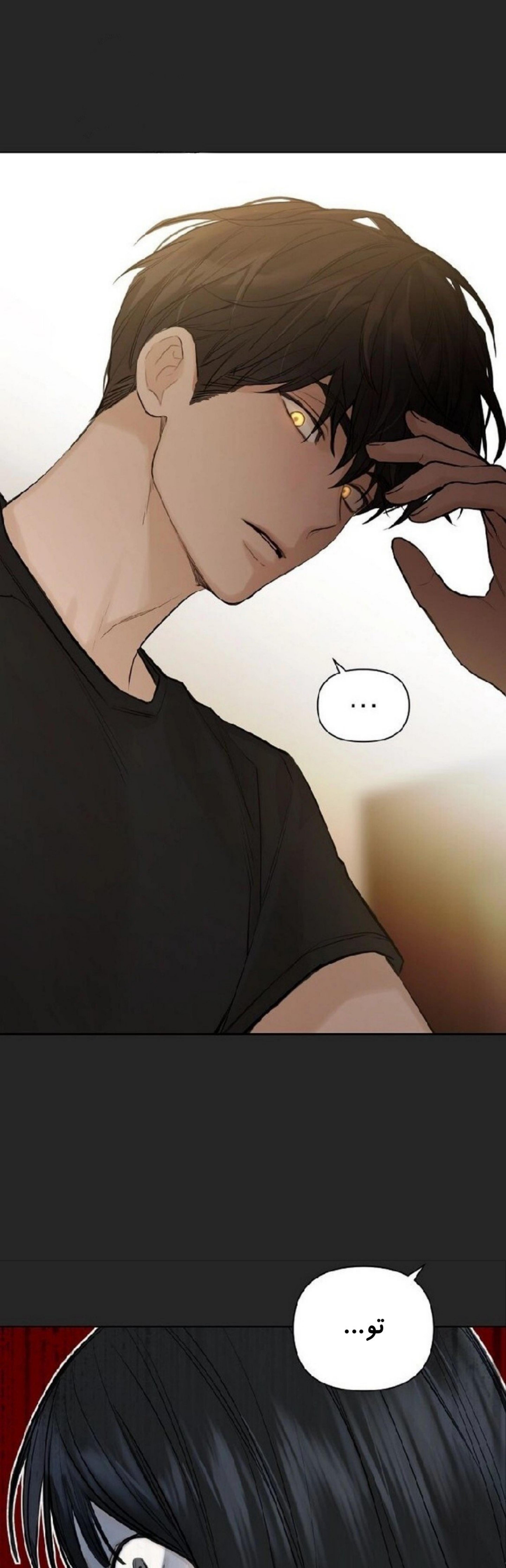
از وقتی که تصادفی اینجا
رو پیدا کردم و همچ میام
اینجایک هفته گذشته.

FUCK

هوم؟

این
چی پوچ...

AS



يا حضرت فيل!!!

카장

탕

اونجا بود که با کوان

بئوم جین که طبقه بالا

خوابیده بود رو برو شدم.

그저
just 여명일뿐

- بـ بـ بـ بـ بـ بـ
نـمـيـرـونـتـهـمـ آـيـنـبـاـ
لـلـوـنـهـ تـوـعـهـ ...

قـفـلـ دـرـنـدـاشـتـ وـ

خـالـىـ بـهـ دـوـاـسـهـ

حـمـيـنـهـ فـكـرـكـرـدـهـ ...

الـآنـ كـمـ يـمـسـمـ
بـيـرـونـ ...!

하~ 앙~

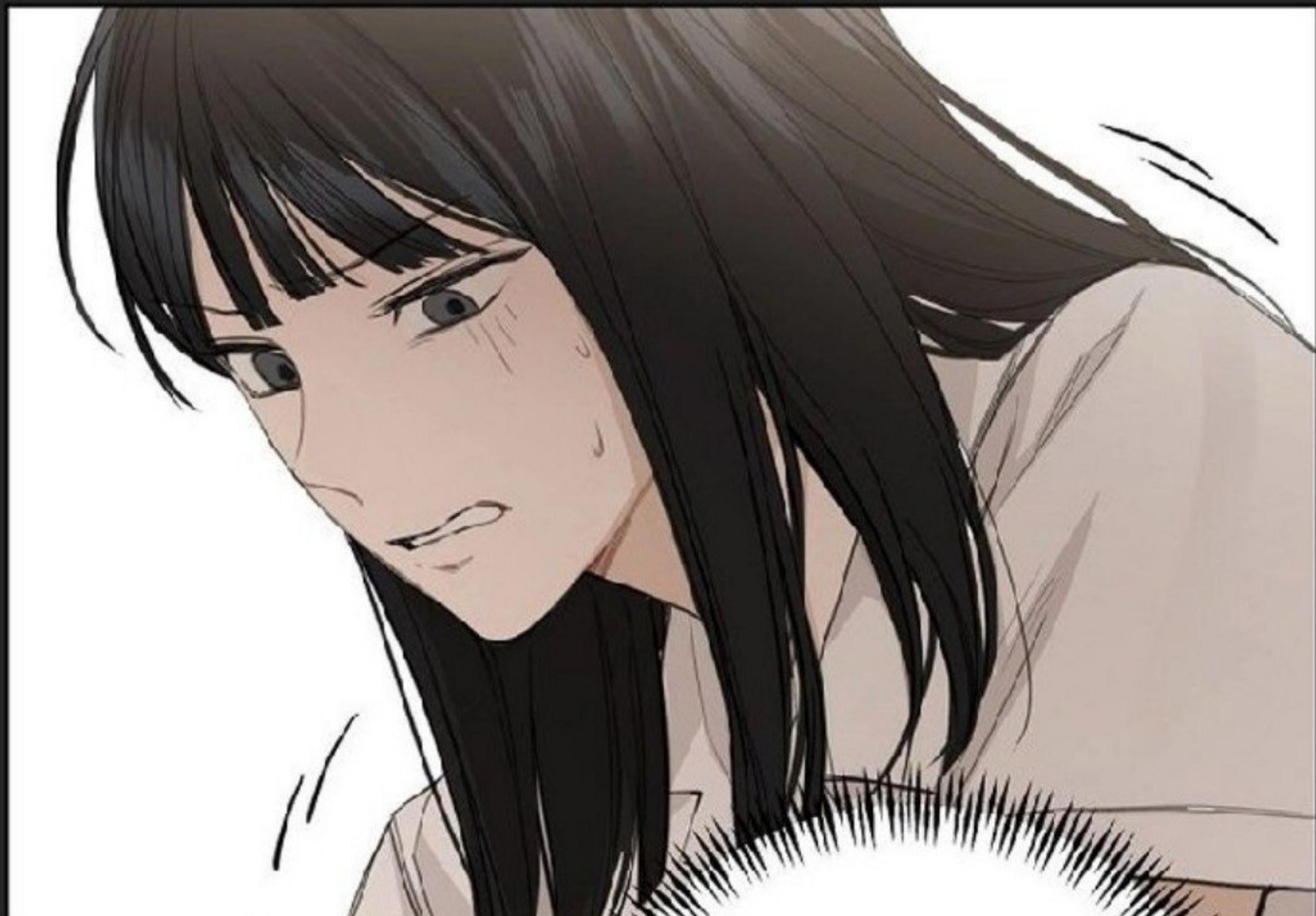
허~ 헉~

지~ 퉁~

أـيـنـ كـوـانـ بـئـومـ جـيـنـهـ ...!

أـيـنـ يـارـوـ خـيلـيـ
مـدـرـسـهـ سـنـزـهـ ...!!

چند وقتی که اینجاست؟



بین اینهمه مردم
چرا دقیقاً اینجا باید خونه
این مردک باشه...!؟

باید
زودی از اینجا برم
بیرون

اینجا خونه من نیست.

저벅
저벅

!

چی...؟

این خونه متروکه
شده. یه ماهه هیچکس
اینجا نیومده.

بغیر از تو.

اینجا
متروکه اس....؟

اوهو.

풀꺽

풀꺽

پس چرا تو اینجايی؟





که بخوابم.

منظورت چیه که
بخوابم؟

خودت میدونی،
خوابیدن.



داری چی تصور
میکنی؟



او مدی
اینجا درس بخونی،
نه؟

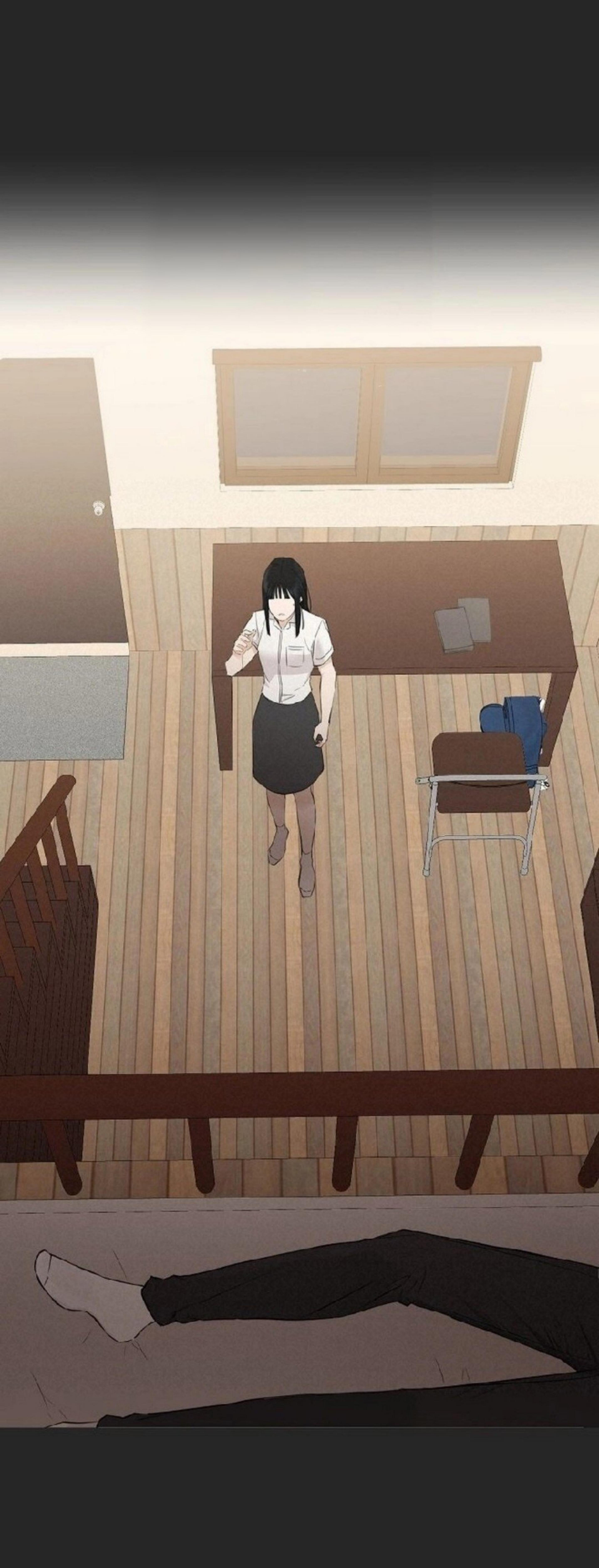
من میرم باز بخوابم.

하암

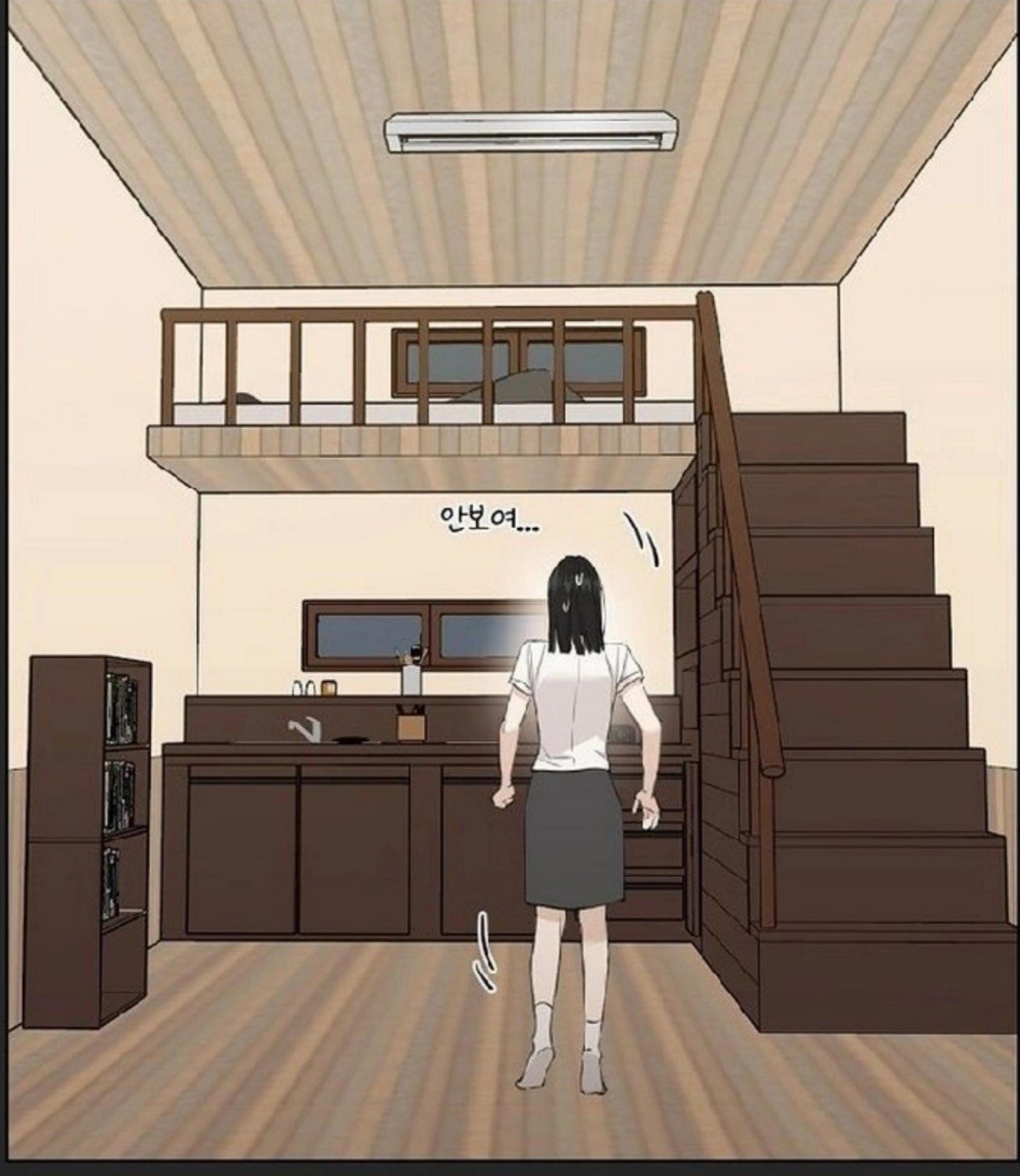
چی؟

ی-یه دقیقه صبر کن!





الآن دوباره
رفت خوابید؟



تو همچین
موقعیتی؟

bfot..

فکر کنم
بهره که برم.

اگه بعونم کی می دونه
این روانی می خواهد با هام
چی کار کنه.

ولی بازم...



**هیچ جای بهتری واسه
درس خوندن ندارم...**



(متوجه: کاش منم مثل تو اینقدر برام معهم بود)

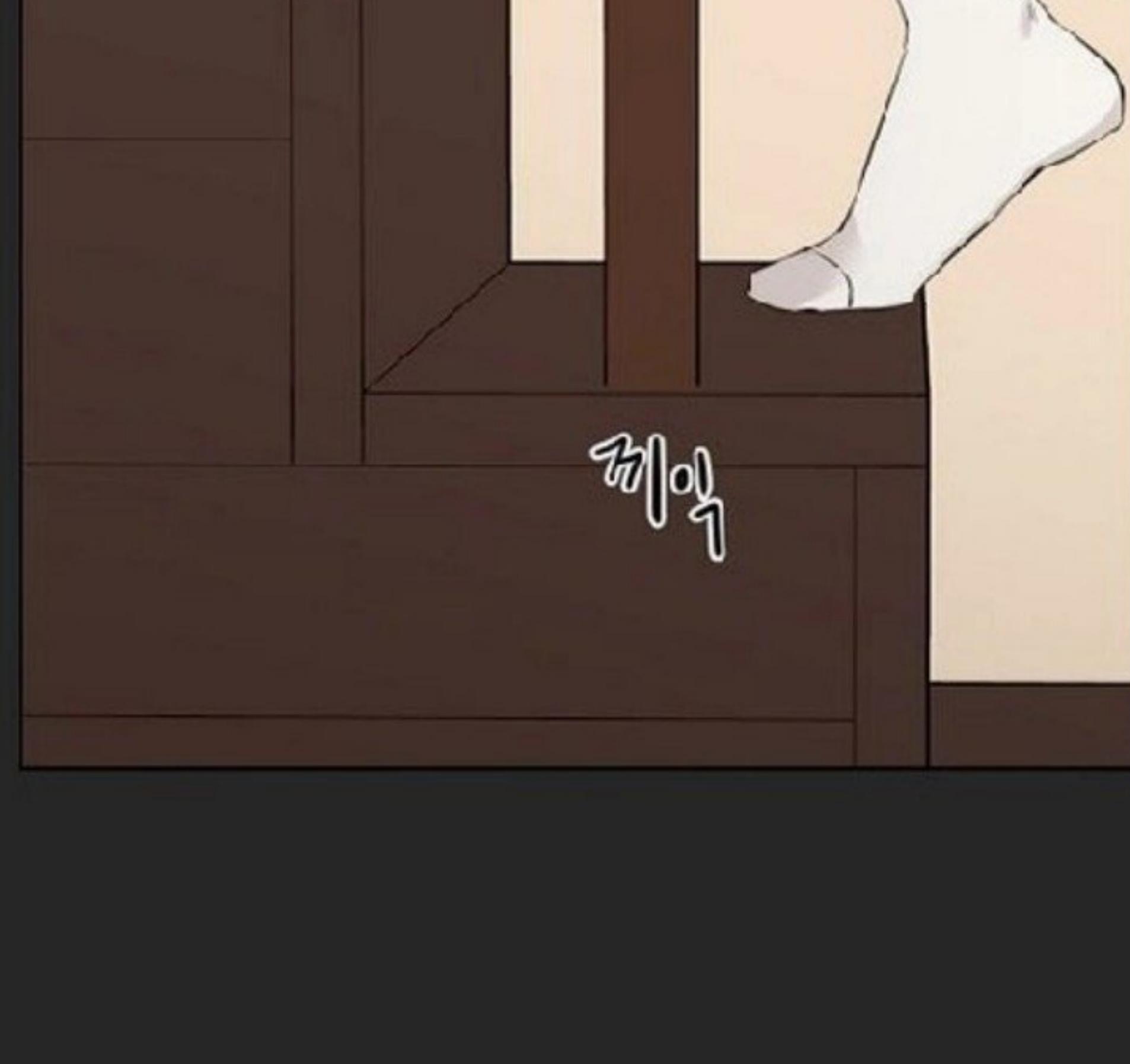
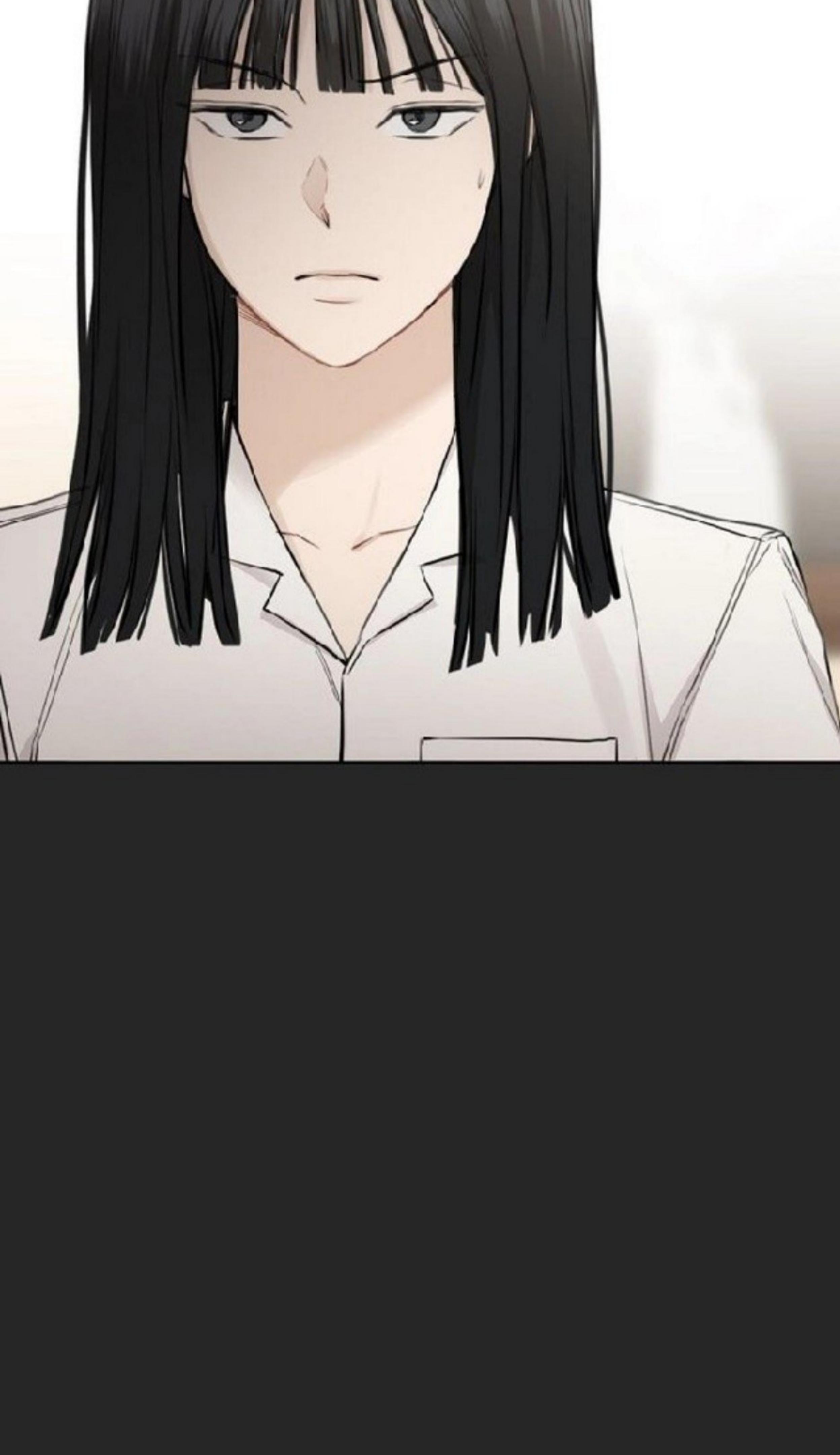
تازشم، کوان
بئومجین صاحب
این خونه نیست.

ولی اکه اون اول
اینجارو پیدا کرده،

به این معنی نیست

که حق مالکیت

اینجارو داره؟



슬쩍 ..



واقعا خوابيده؟

نیومارہ اینج کہ الہ
شانہ بھپ کنسی

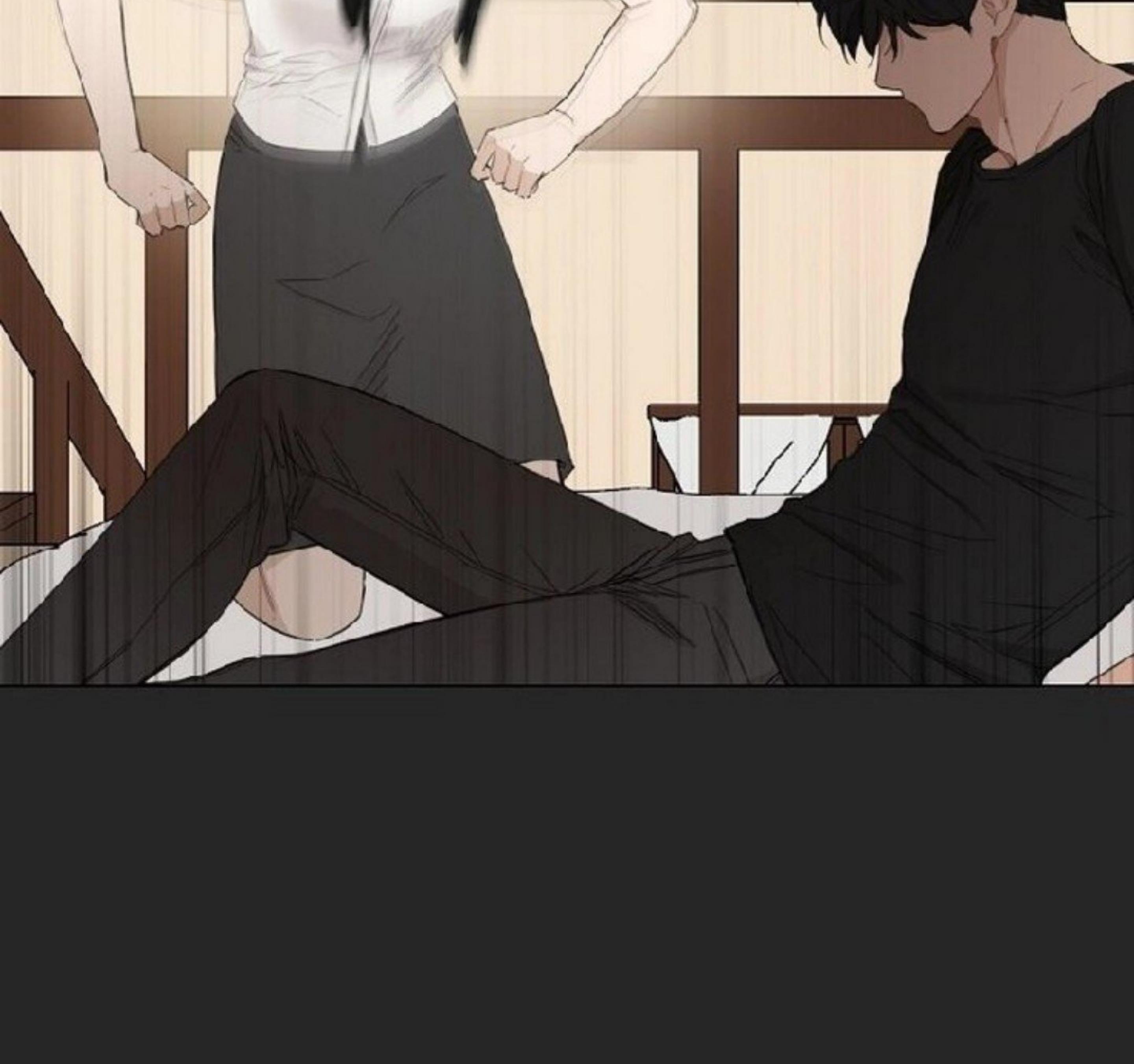
اچن از کدوم
قبری میدونست من دارم
درس میخونم...؟

چته؟

چیزی برای گفتن
داری؟

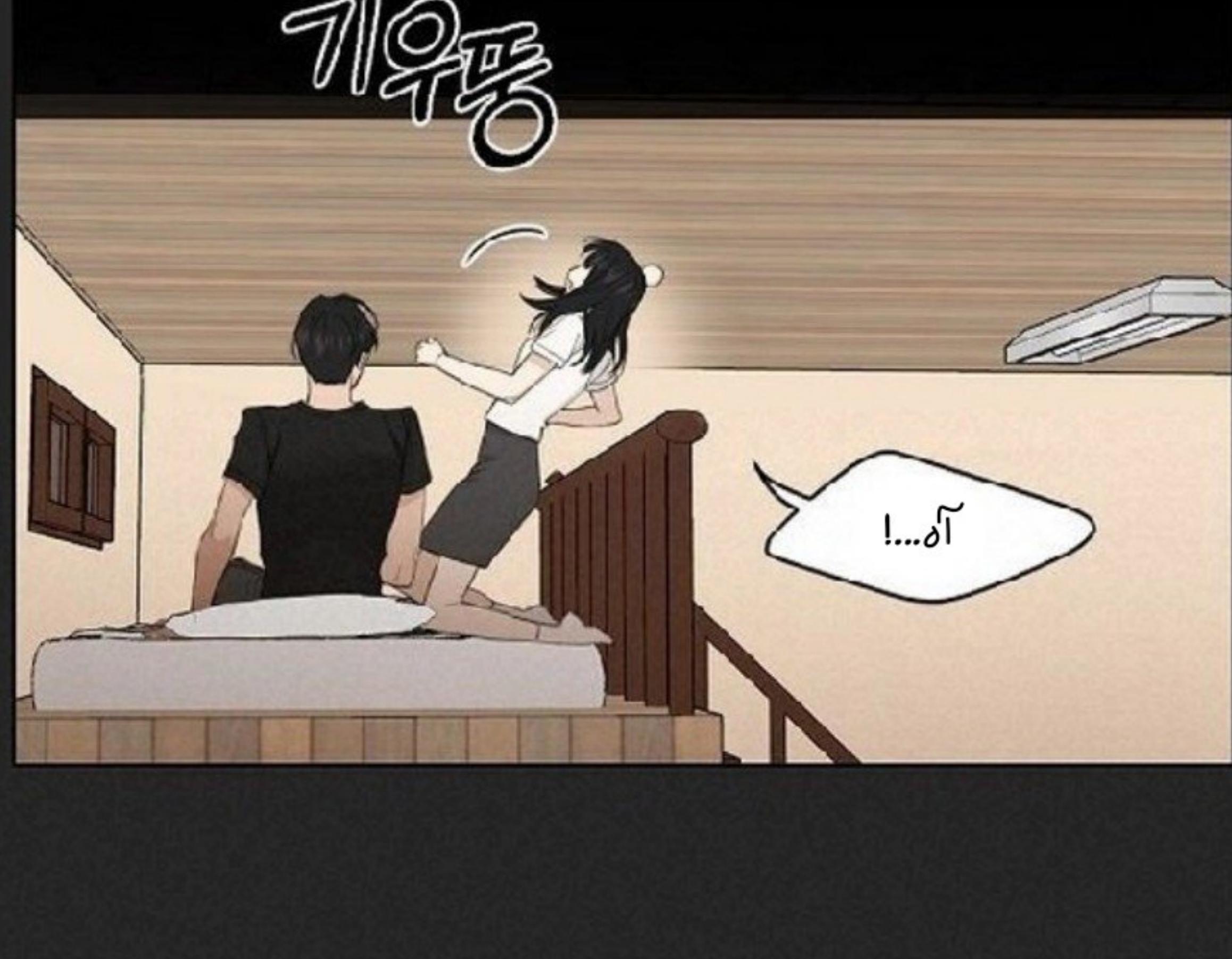
يايرهادر!!

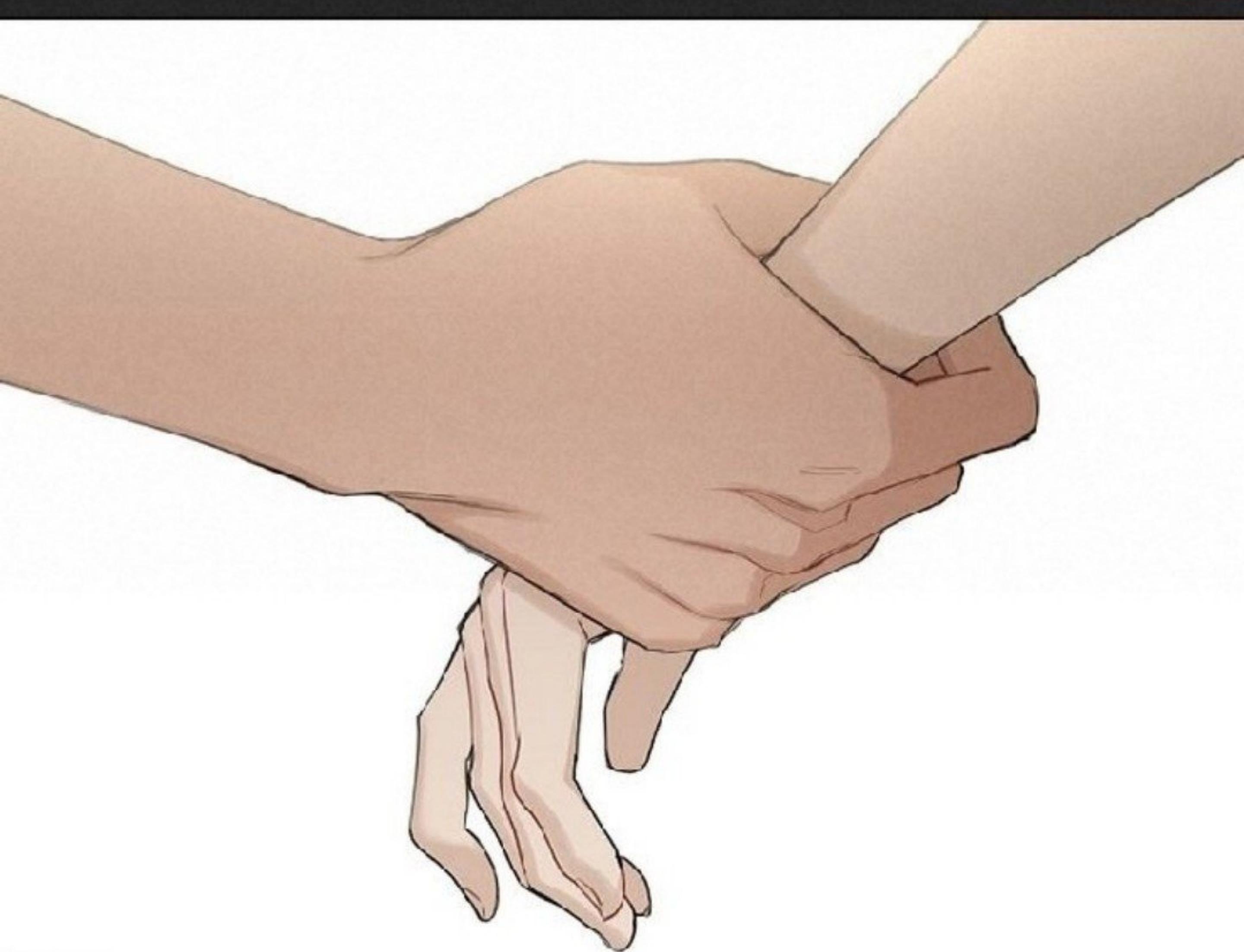
W W W !



기우뚱

!...느





五
五
四



? ...

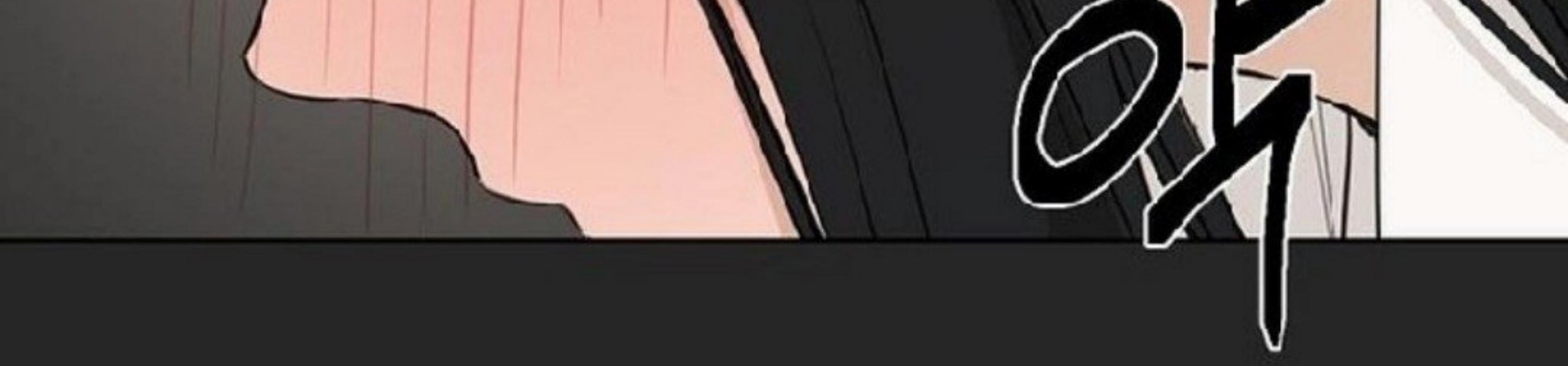
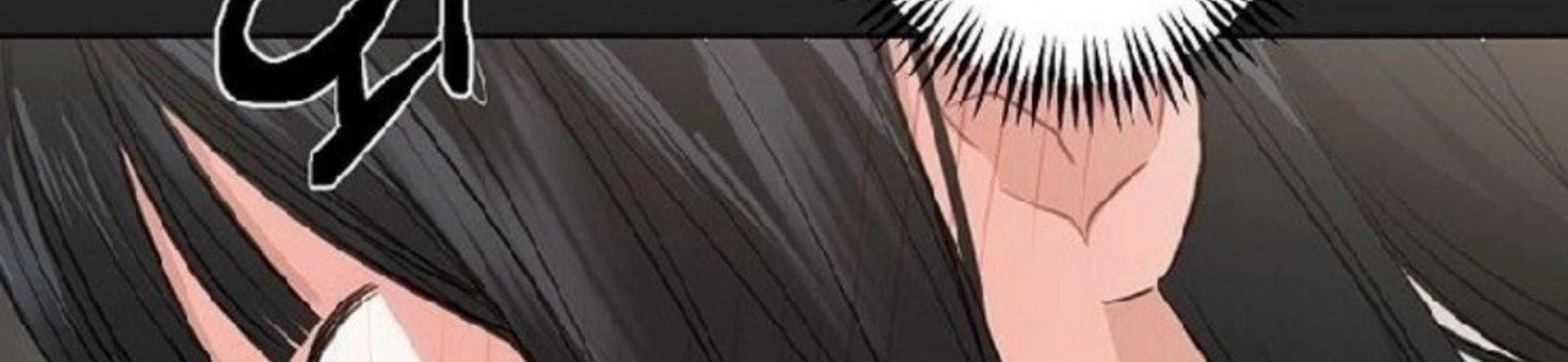


ناحالا

طبقه دوم رو نیومده
بودی؟

نرده اینجا پایینه.

مواطف باش.



و-ولهم کن!

파!



این دیگه
چه رفتاریه؟ همین الان
نجات دادم.

از کجا فهمیدی که...

او مدم اینجا درس
بخونم؟

دیدمت.

کی؟

دیر و ز.

وقتی از خواب
بیدار شدم دیدم یکی پشت
میز نشسته.

از پشت سر شناختم.

واسه
همینم باز گرفتم
خوابیدم.

ل

از پشت کلم منو شناختی؟

تو درست جلوم

میشینی.

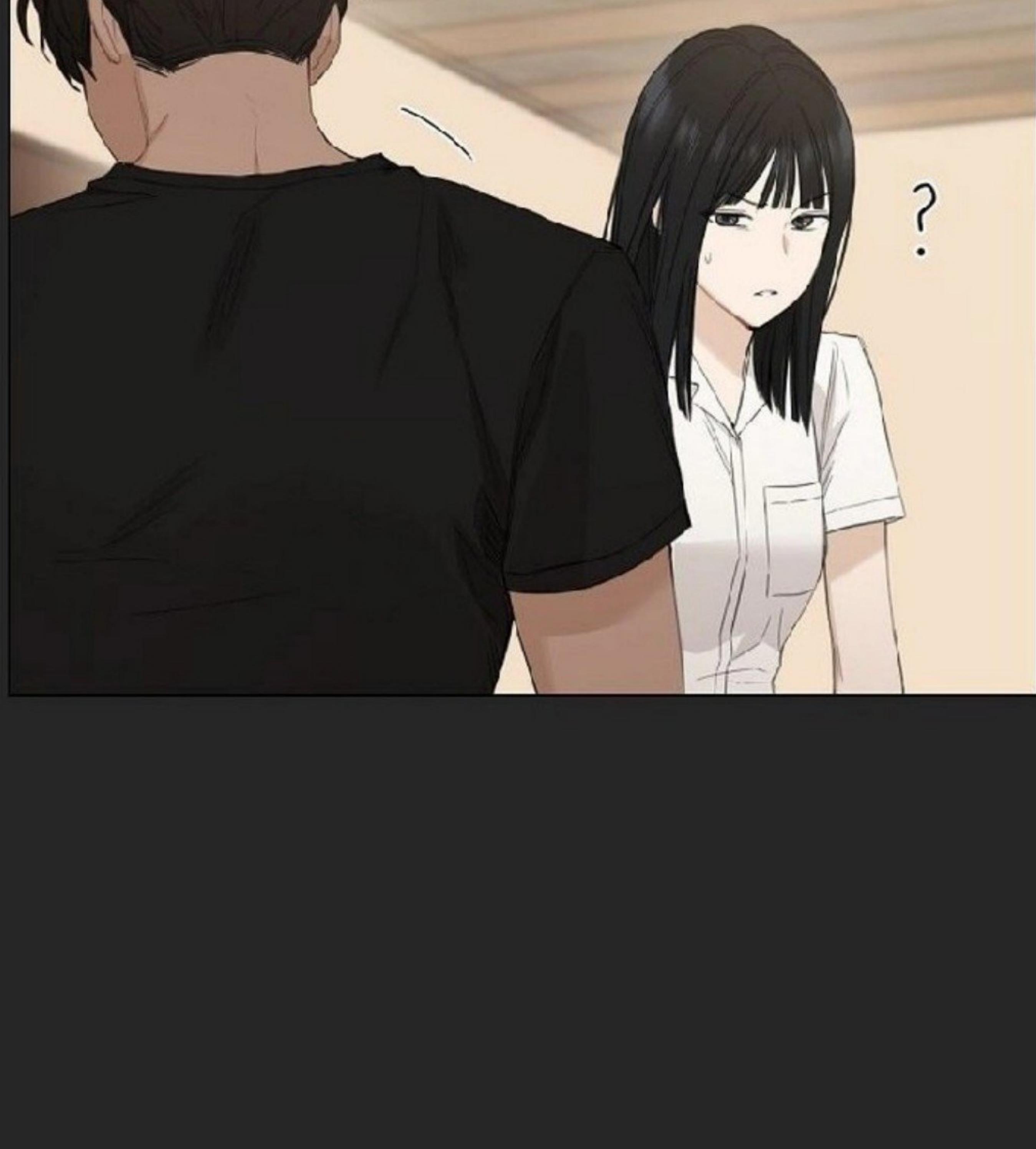


دقیقا

همون جلو، اون صندلی

جلوییه.

داره میگه
ملت رو از پس کلشون
تشخیص میده؟



اگه قصدت این بود
که از این تخت استفاده کنی
پرتنت میکردم بیرون.

ولی خب بنظر
میاد فقط میخوای از میز
استفاده بکنی.

برا همین گفتم
شاید ممکن باشه که بتونیم باهم
همزیستی بکنیم.

همزیستی؟



دو تامون
یه جای ساکت
میخوایم.

چون چیزای
 مختلفی میخوایم،
 مزاحم همدیگه
 نیستم.

.....



اشتباه نمیکنی، ولی...

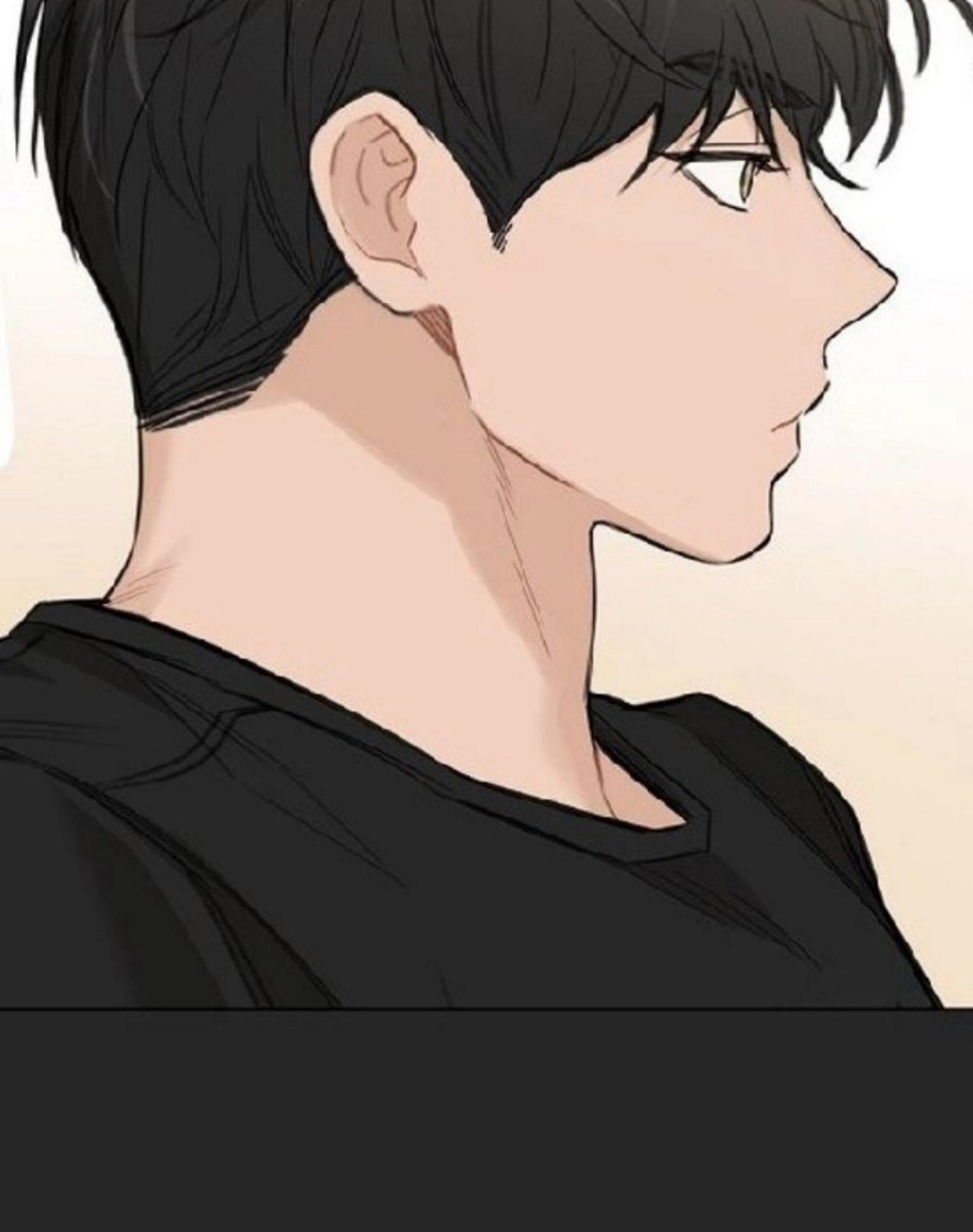
تو

اومدی اینجا

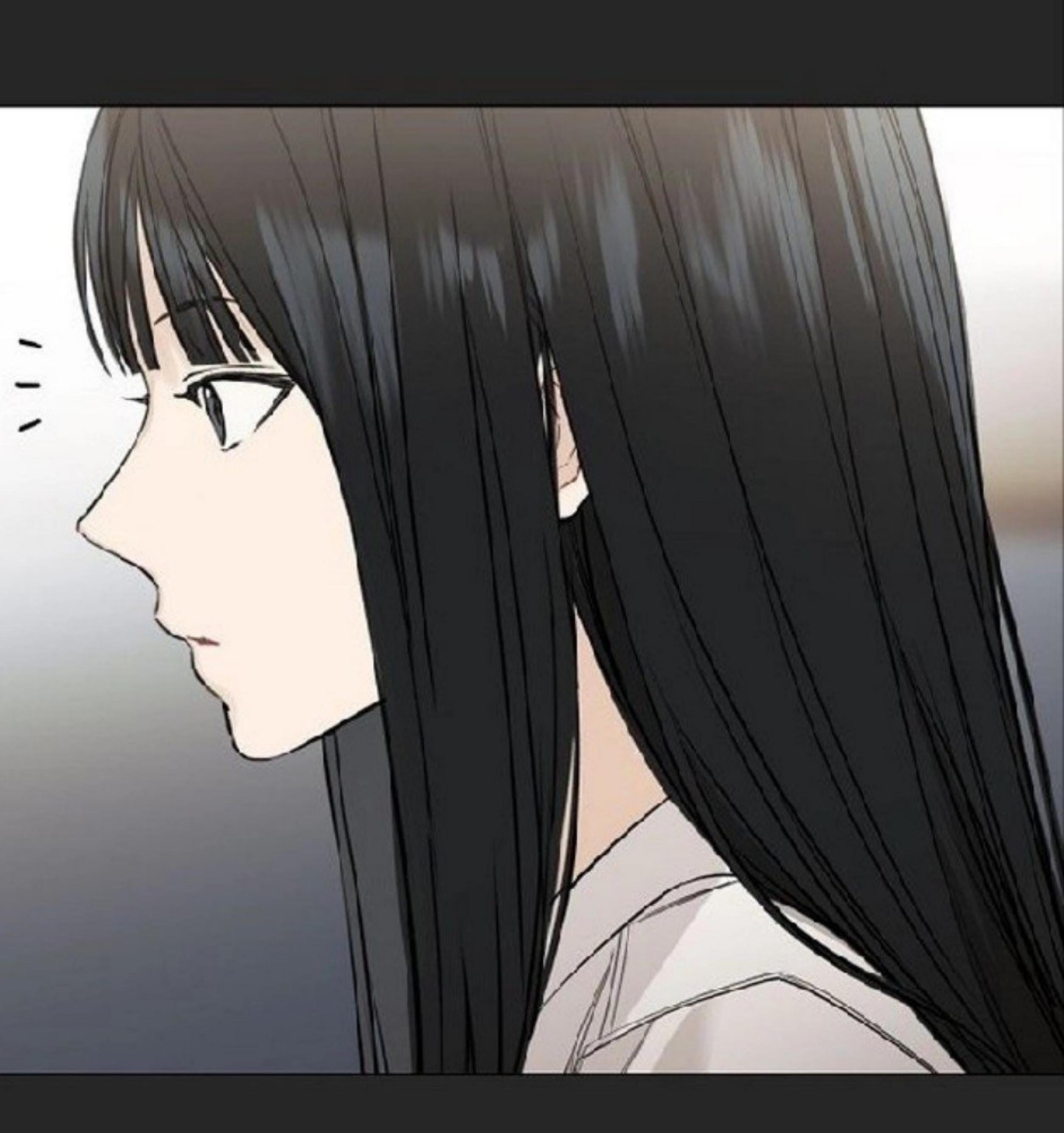
بخوابی؟

اوهوه.

خب
چرا نمیری تو خونهات
بخوابی.



همونطور که
تو نمیری تو خونهات درستو
بخونی.





آه ...



منظورش
اینه که اونم شرایط
خودشو داره.



مطمئنی که این
خونه متروکه‌ایست؟

اگه قراره مثل
من بری و بیای...

ما یه قفل لازم داریم.

دفعه بعدی با
خودم می‌آرم.

میتوانیم چیزی شو شریدیں
استفاده ننمی‌کنیم.

و-وايسا.

هنوزم، واسم راحتتره
كه اينجارو تنهايی استفاده کنم،
پس چرا...

همونطور که
گفتم، میتوnim باهم دیگه
استفادش کنيم.

ولی بازم...



کلیده رو
میخوای، مگه
نه؟



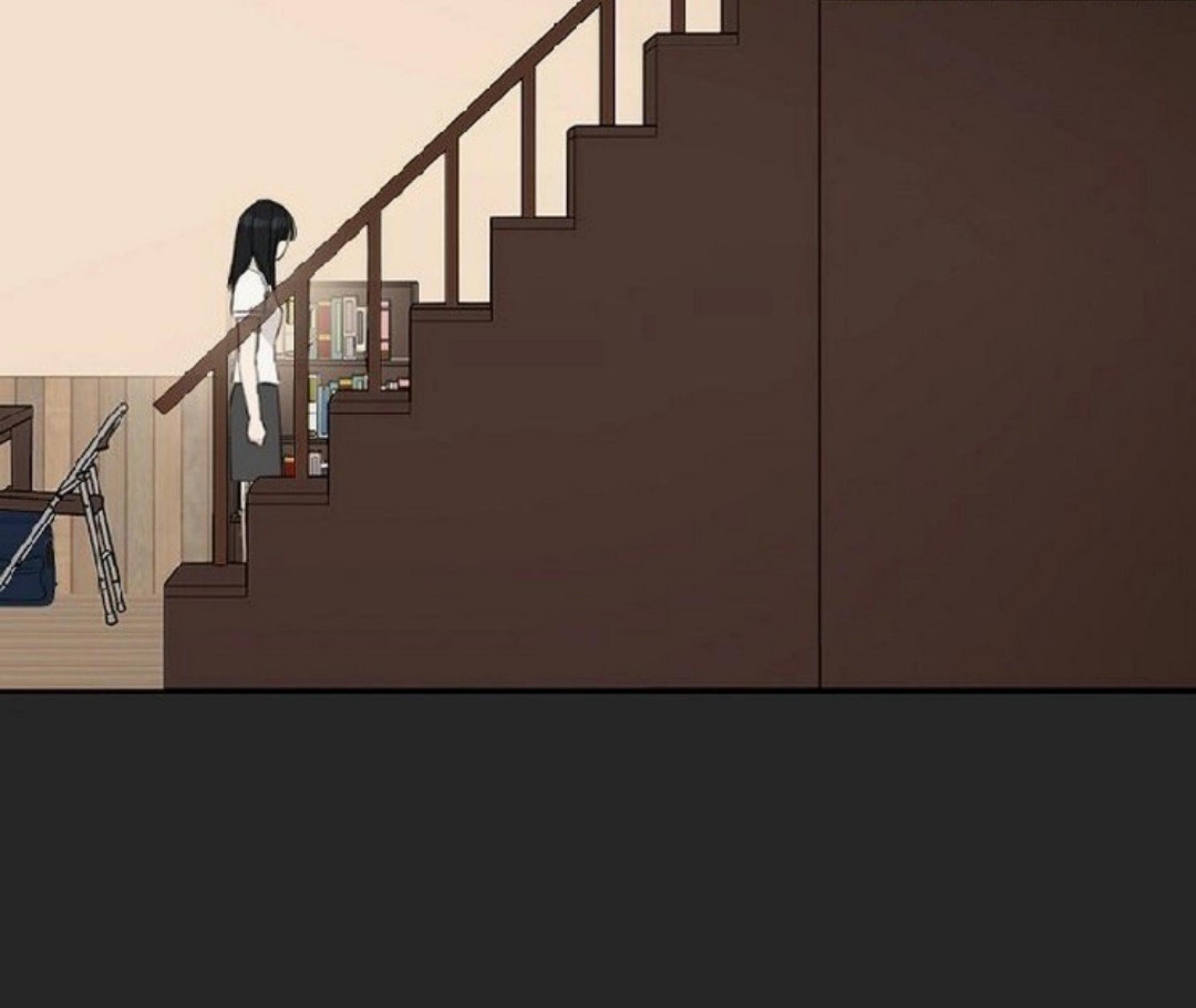
آره...

پس برو
گمشو پایین.

헉



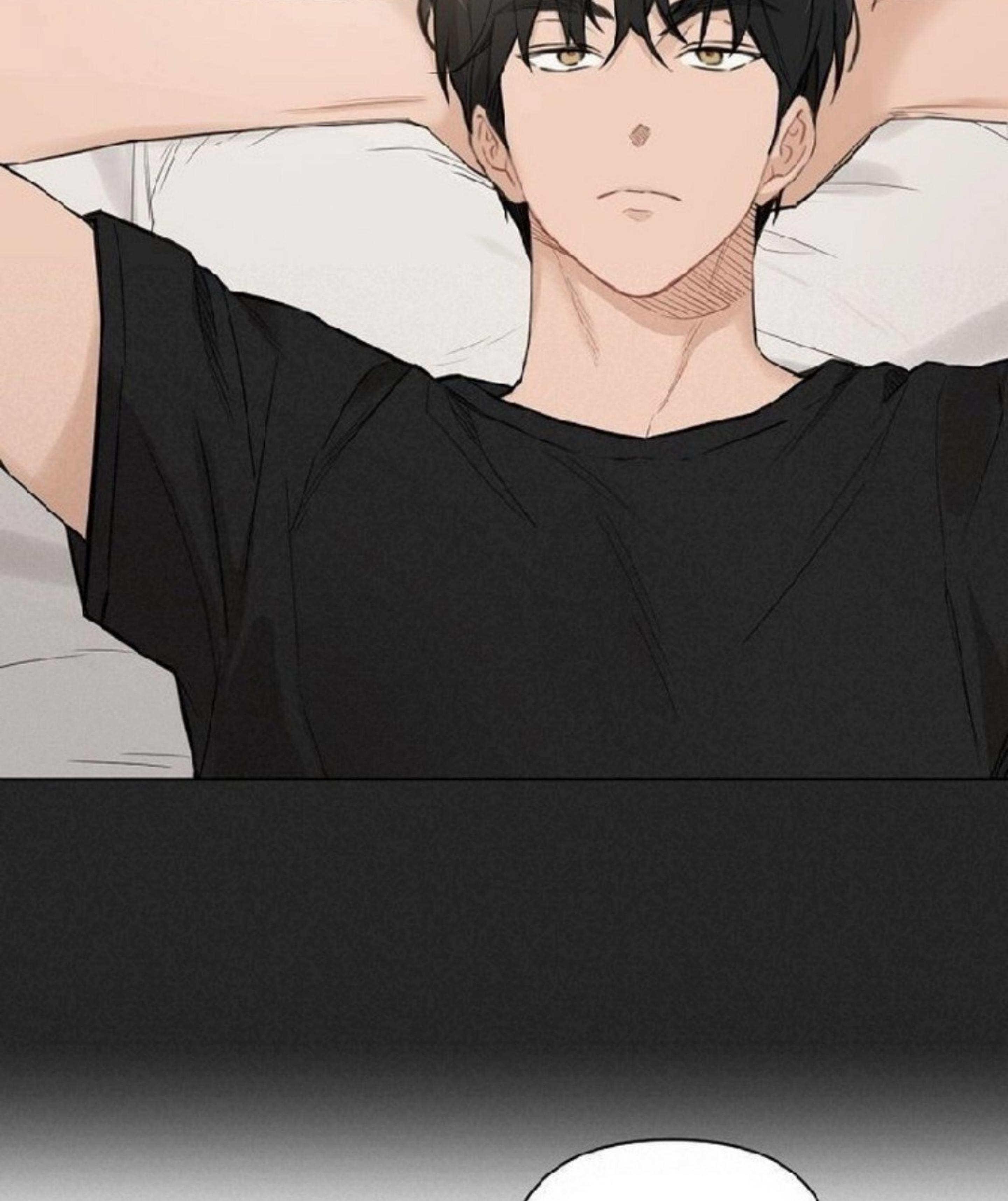
조용....



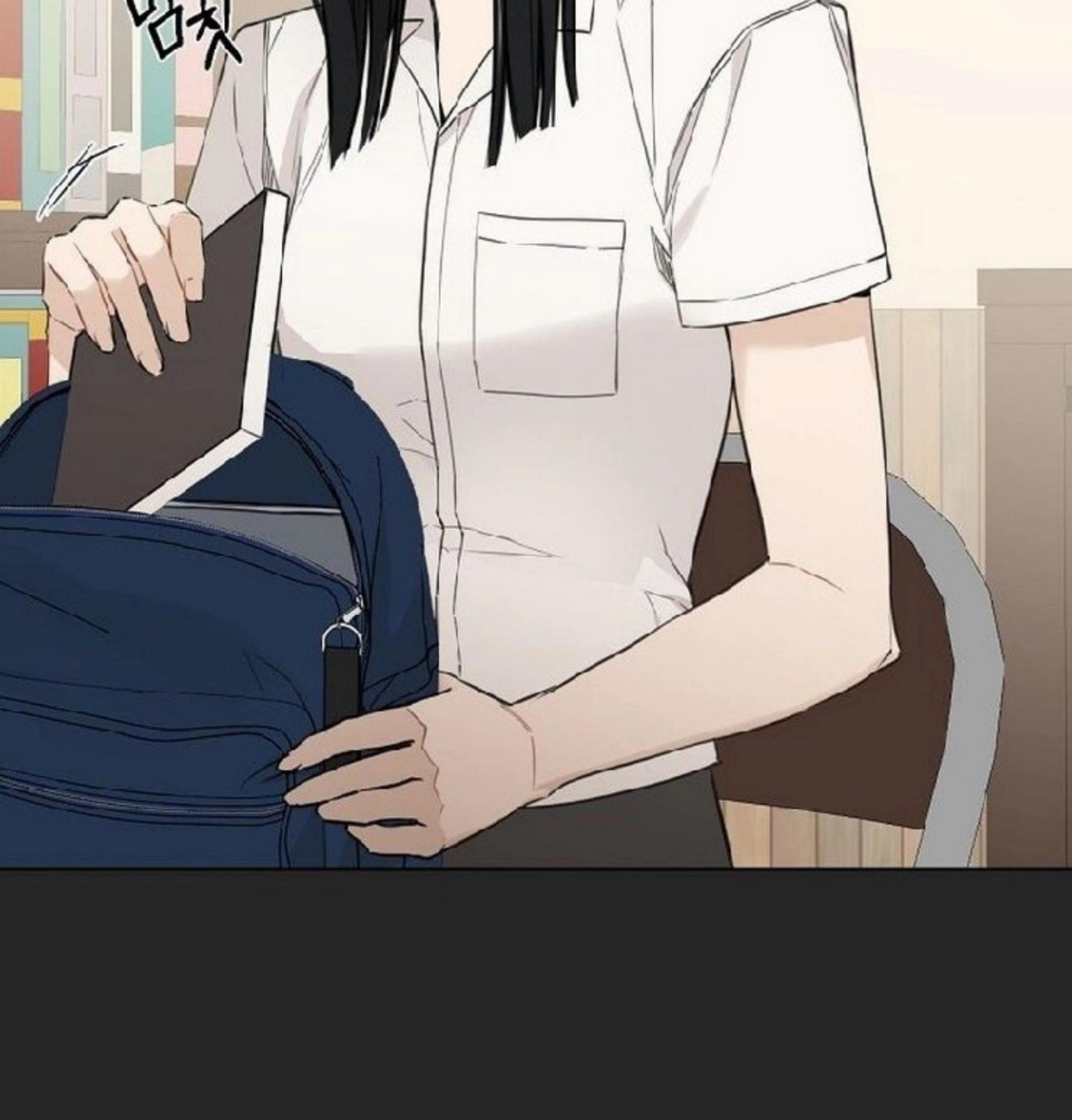
واقعاً اشکالی
نداره که اینجوری
باشه؟



ولى
تو اصلاً ميدونى من
كيم؟



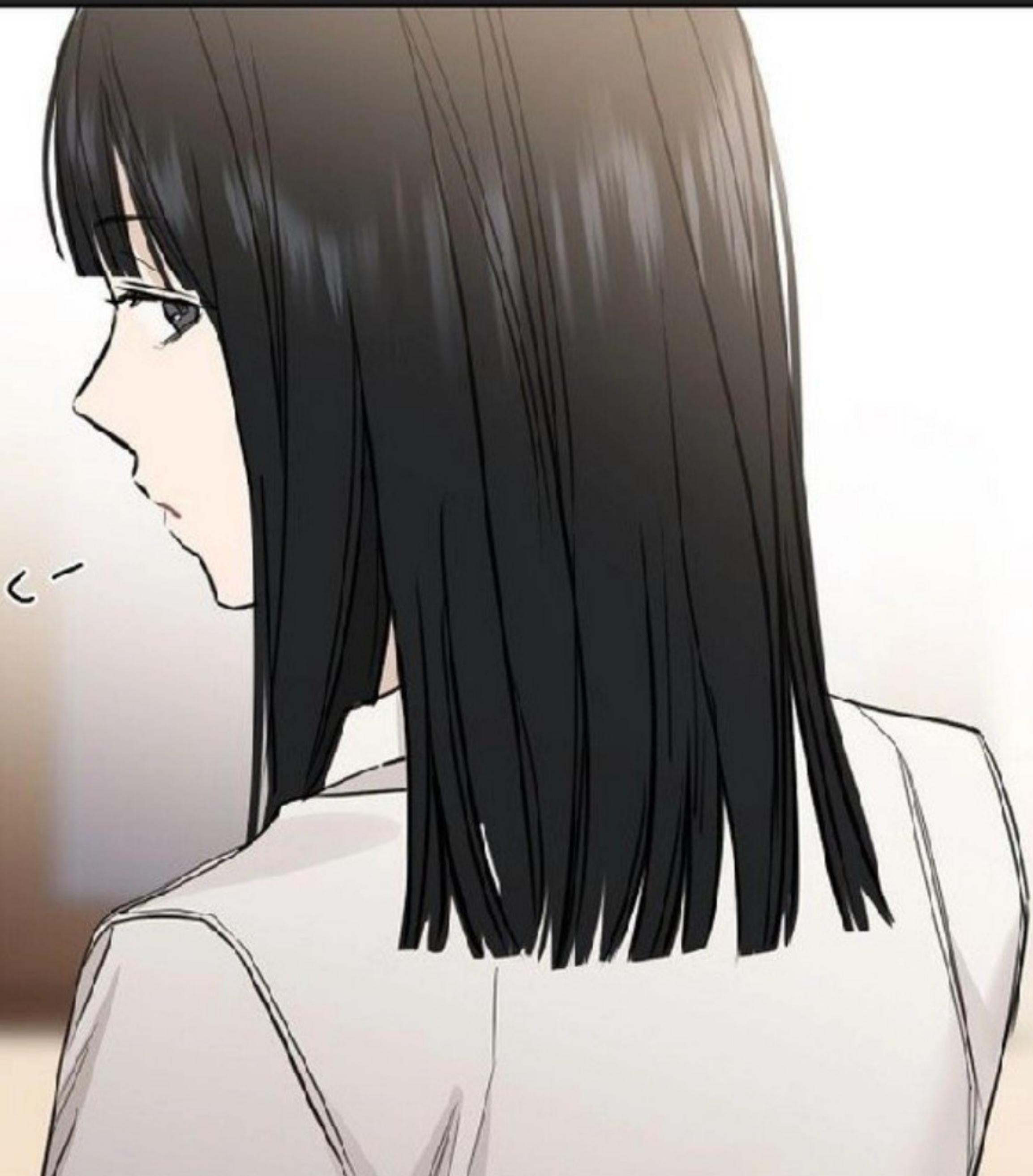
يون جونيانگ.



شماره یک مدرسه.

فقط چونکه درس
نمیخونم دلیل نمیشه که اسم
ملت رو یادم نمونه.

نمیتونم انکار
کنم که اون این
مدلیه.



خوب... نمیشه
کارپیش کرد

تازهشم من
گزینه دیگه ای
ندارم الان.



چیز خیلی مهمی نیست...



اینطوری بود که...
من و کوان بئوم جین
شروع کردیم کنار
هم زندگی کنیم.

بە لطف داشتن
فضاھای خودمۇن،

داشتىم ھماھنگ
زندگى مىكىرىدىم.

کوان بئوم جىن تو
طبقە دوم مىخوابە.

من ھم تو طبقە اول رو
درسام تۈركىز مىكىنم.

عليرغم بودن توی
اون خونه متروکه،

رابطعون توی مدرسه هیچ
تغییری نکرد، انگار که
اصلا همو نمیشناسیم.



از اولشم هیچ
دلیلی نبود که از
هم جدا شیم.

همونطور که انتظار
داشتیم، اوایل اصلا تو خونه
حرفی نعیزدیم، ولی...



این بار پنیر هم
اضافش کردی.

او هوم.



بعد از اینکه کوان بئوم جین یه
رامن واسه هر دو مون اورد،
فکر کردم شاید باید چندتا
مکالمه ساده داشته باشیم.

امیون چیو کنا، هم نمیاره؟؟ این یه
نعمت جادوی توکل جهانه.

تنها مشکلی که
با هاش دارم اینه که هر روز
خدا را من می پزه.

سایه

ولی خب



برخلاف اون چیزی
که انتظار داشتم، بنظر
یه ادم عادیه.

چندتا
تخم مرغ ریختی
توش؟

پنجتا.

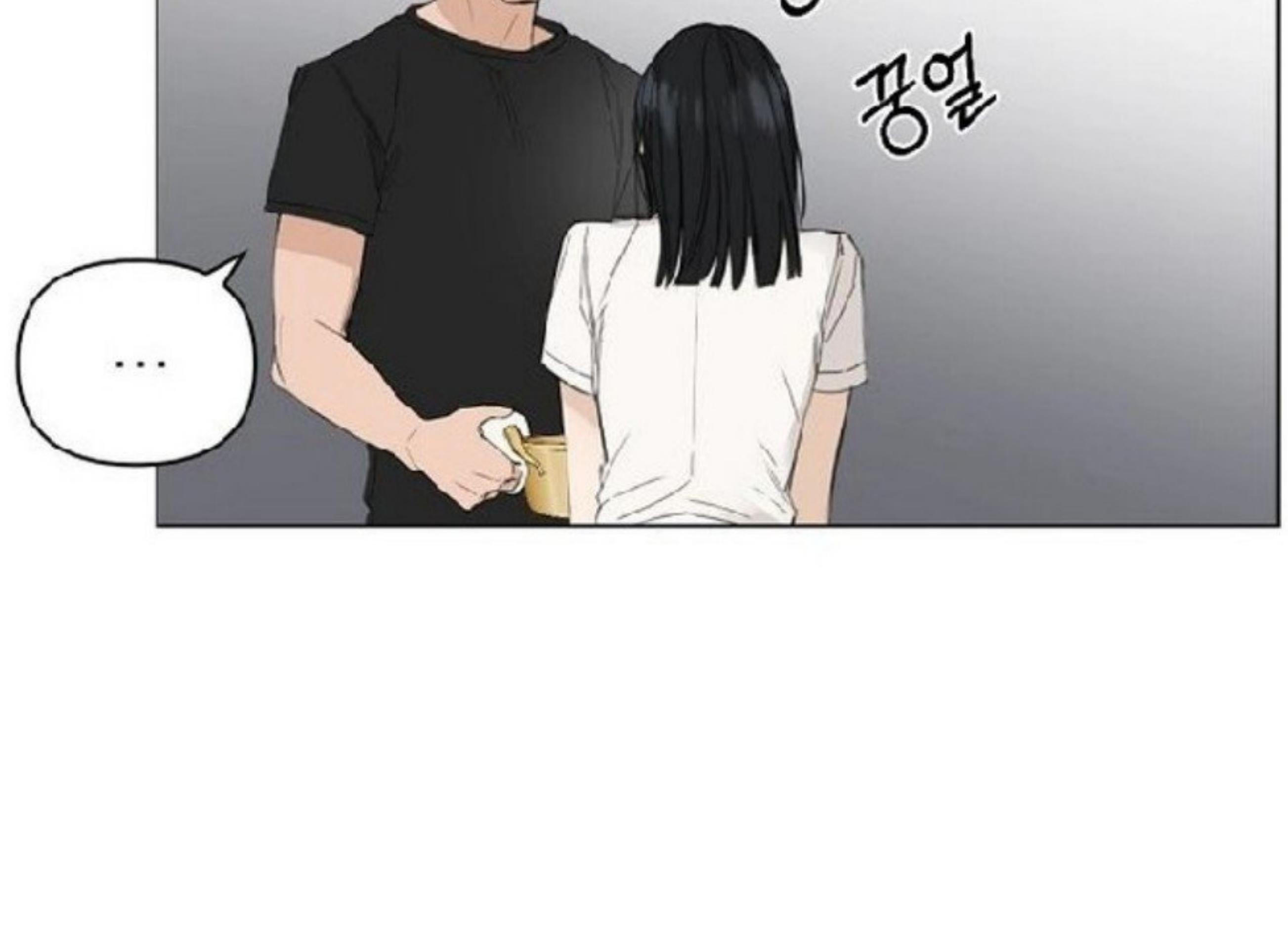
عه، زرده هاش

رو قاطی کردی؟

دو تا شو گذاشتم.

سه تاشو
مخلوط کردم.

خوشم
نمیاد سوب کلفت
بشه.



هی.



وقتی داریم تو یه
قابلمه یه کوفتی میپزیم، قرار
نیست به ذائقه هر دومون
بخوره.

چیزی
که هست رو بگیر
کوفت کن.



هذا

... حسناً

چیزی
هست که ازش بدت
بیاد؟

معلومه
که تو اخلاق چرتی
داری.

بر خلاف اینا تو تیزی.

ملحق ملحوظ کردن



هُوَيٌ!!

پاٹیاں رومن!



برو
خونه بشورش، لباستو
عوض کن.

لایک



قرار بود فردا هم
بپوشمش!

ها... فقط
اگه مشت گنده تری
داشتم الان تو...





خيله خب.

درش بیار.

خودم
میشورمش.



تیشرت تو،
لکه دار شده.



دارم
میگم لباستو
در بیار.

자 담



سلام

این فایلی که هم اکنون خوندید،
توسط تیم بزرگ تلگرامی

آئوی سکای

ترجمه و ادیت شده و برای شما
و بقیه افرادی که به مانهوا
خوندن علاقه دارن آماده
شده.

تیم آئوی سکای فقط و
فقط در تلگرام فعالیت میکند.

اگه این فایل توی روییکا، سروش،
ایتا، اینستا و بقیه پیام رسانهای داخلی و
خارجی گذاشته شده و دارید میخونید،
بدونید بدون اجازه تیم ما گذاشته شده
و این کار دزدی محسوب میشود و به
هیچ عنوان ما راضی نیستیم.
فقط و فقط ما رو از طریق کانال تلگرامی
زیر دنبال کنید و مارو حمایت کنید:



[HTTPS://T.ME/AOISEKAI](https://t.me/Aoisekai)